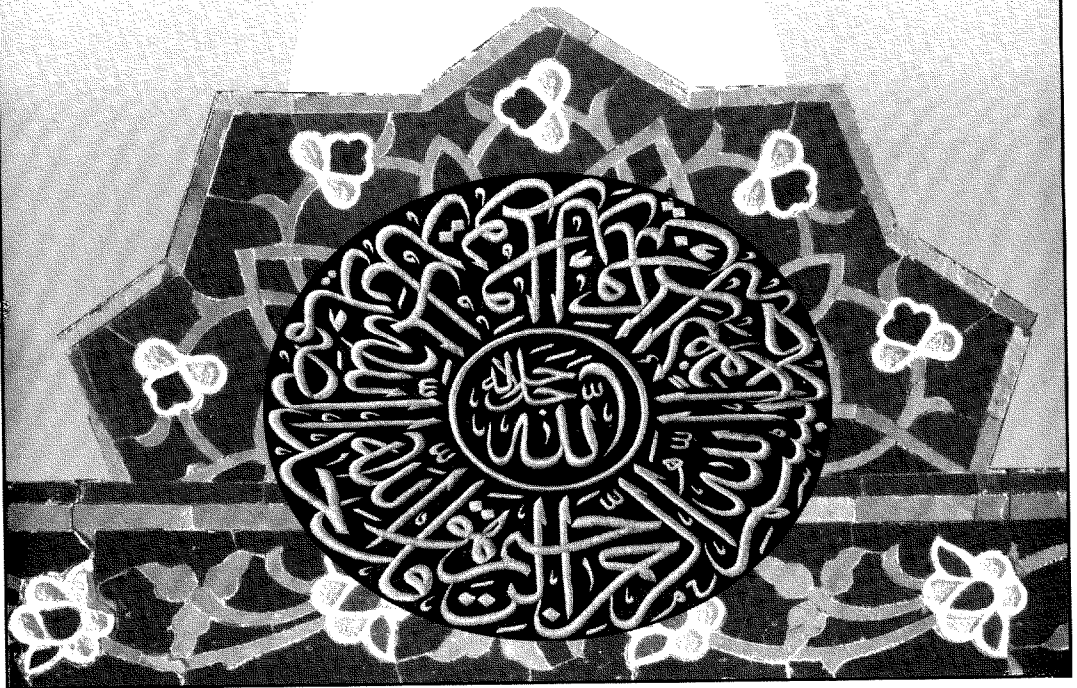
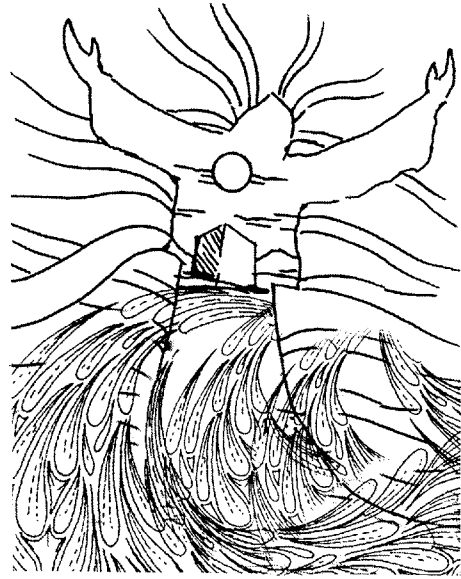


# تاریخ و رجال





# پیامبر (ص) و فرست طلایی حج

سید جواد ورعی

مقدمه:

پیامبر خدا ﷺ در سال دهم هجرت اعمال و مناسک حج را به طور کامل به مسلمانان آموخت. آیه مبارکه ﴿وَأَذِّنْ فِي النَّاسِ بِالْحَجِّ يَأْتُوكَ رِجَالًا وَعَلَىٰ كُلِّ ضَامِرٍ يَأْتِينَ مِنْ كُلِّ فَجٍّ عَمِيقٍ...﴾<sup>۱</sup> به همین مناسبت نازل شد و آن حضرت را مأمور کرد که با به جا آوردن مراسم حج، همه اعمال و مناسک این فریضه بزرگ الهی را به مسلمانان بیاموزد. آنچه در تاریخ مسلم است این است که پیامبر پس از هجرت به مدینه تنها یک مرتبه حج به جا آورد و البته چند مرتبه نیز برای انجام عمره به مکه مکرمه مشرف شد:

۱- در سال ششم، که به صلح حدیبیه منجر شد.

۲- در سال هفتم، به مقتضای قرارداد صلح با مشرکین و برای جبران عمره ناتمام سال پیشین، که عمره القضاء را به جا آورد.

۳- در سال هشتم، پس از جنگ طائف که از جعرانه عمره به جا آورد.

به همین جهت در بعضی از روایات تعداد عمره‌های پیامبر ﷺ را سه مورد نقل کرده‌اند. آن حضرت در حجة الوداع به دلیل همراه داشتن قربانی، حج قرآن به جا آورد؛ از این رو، روایتی که عمره‌های پیامبر را چهار مرتبه نقل کرده، که یکی از آنها در حجة الوداع بود، از طرق اهل سنت نقل شده و از نظر ما ثابت نیست.<sup>۲</sup>

از پیشوایان معصوم علیهم السلام روایات دیگری نقل شده که پیامبر بیست مرتبه به طور پنهانی و سری حج به جا آوردند.<sup>۳</sup>

گرچه مراسم حج دارای اهداف و ابعاد گوناگونی است که پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در جهت تحقق آنها قدم برمی داشت و هر یک از اعمال و مناسک حج دارای آثار فردی و اجتماعی، مادی و معنوی، سیاسی و اجتماعی اند، اما آنچه که در این نوشتار در پی آنیم، پی گیری این اهداف و آثار و برکات نیست، بلکه بحث ما در استفاده ای است که پیامبر از فرصت حج و اجتماع عظیم مسلمانان در حرم الهی می کردند.

موسم حج موقعیتی استثنایی است که می توان از ظرفیت بالای آن برای رسیدن به اهداف متعالی دینی از آن بهره جست. پیامبر با آن که چند مرتبه بیشتر در مکه مکرمه به عنوان حج یا عمره به صورت علنی حضور نیافت، اما توانست از این فرصت طلایی برای پیشبرد اهداف رسالتش بهره فراوانی ببرد، حتی سالی که پس از فتح مکه خود به حج مشرف نشد، با اعزام نماینده خویش برنامه های مهمی را به اجرا گذاشت. با تأمل و درنگ در سیره پیامبر و جانشینان معصوم علیهم السلام در ارتباط با مسأله حج می توان سیاست ها و برنامه های متنوعی را به دست آورد تا الگویی برای مسلمانان در عصر حاضر باشد.

پیامبر صلی الله علیه و آله علاوه بر آنکه فریضه حج را به عنوان بزرگترین و گسترده ترین فریضه الهی به مسلمانان آموخت و برای همیشه مجد و عظمت امت اسلامی را در پرتو برپایی حج تأمین نمود. از فرصت حج - که پرشکوه ترین اجتماع سالیانه امت اسلامی به شمار می آید - به عنوان فرصتی استثنایی و بی بدیل بهره فراوانی برد. آن حضرت در هر یک از سفرها افزون بر انجام اعمال و مناسک حج یا عمره، با گفتار و کردار خویش نکته های فراوانی به آیندگان آموخت. گرچه برخی از گفتارها و رفتارهای ایشان به وضعیت خاص آن زمان مربوط می شد، اما ملاحظه مجموع آنچه که حضرت در طول این سفرها از خود به یادگار نهاد، می توان خط مشی مسلمانان را در هر زمانی به دست آورد.

پیامبر صلی الله علیه و آله به امتش آموخت که چگونه باید از فرصت طلایی - که خداوند سبحان به برکت خانه خوریش و تشریح حج فراهم ساخته - استفاده کرد و چه سان باید در این مکان



میزان

و در موسم حج «زندگی توحیدی» به تمرین پرداخت و پس از بازگشت به شهر و دیار خود آن را در اقصی نقاط جهان تحقق بخشید. به خصوص که در میان مجموع سخنان حضرت، «میراث گران قدری» از وصایای پایانی ایشان به چشم می خورد و معمولاً سخنان پایانی شخصیت های بزرگ تاریخ، گهربارترین و ارزنده ترین یادگارهای آنهاست که ضمن بحث، به آنها اشاره خواهیم کرد.

اگر مجموع سفرهای جمعی پیامبر ﷺ به مکه مکرمه را سه سفر بدانیم؛ عمره القضاء، فتح مکه و حجة الوداع، و نیز حج سال نهم را که پیامبر خود حضور نداشت اما با اعزام نماینده ای ویژه پیام مهمی را ابلاغ کرد، مورد چهارم به شمار آوریم، در هر یک از این موارد چهار گانه، رسول خدا ﷺ استفاده شایانی از این فرصت نمودند که مهمترین پیام در هر یک از این سفرها عبارتند از:

- پیام توحید و تحقق وعده های الهی، در سفر اول.

- برچیدن بساط بت پرستی و پیروزی و حاکمیت اسلام در سرزمین وحی، در سفردوم.

- ابلاغ اعلان برائت از مشرکین به وسیله امام علی علیه السلام در حج سال نهم هجری - و بالأخره سفارش به پیروی از ثقلین (قرآن و عترت) و تعیین جانشین خود و حماسه غدیر، در آخرین سفر خود.  
و اینک تفصیل و شرح هر کدام:

## پیام توحید در پایگاه کفر و شرک

اولین سفر پیامبر به مکه، یک سال پس از انعقاد صلح حدیبیه بود. پس از عزیمت مسلمانان برای زیارت خانه خدا در سال ششم هجری و ممانعت مشرکان از ورود آنان به مکه، در نهایت صلح حدیبیه منعقد شد که بر اساس آن مسلمانان می توانستند همه ساله سه روز برای زیارت کعبه به مکه سفر کنند، اینک یک سال از انعقاد قرار داد سپری شده، پیامبر در ذی القعدة سال هفتم در مدینه صلاهی سفر به مکه سر داد و عاشقان و شیفتگان زیارت خانه خدا، به خصوص مهاجران که سالیان دراز از خانه و کاشانه و همسر و

فرزندان خود دور مانده‌اند، فرصتی یافتند که به وطن خود بازگردند. دو هزار نفر از مسلمانان در یک سفر دسته جمعی، همراه پیامبر عازم مکه‌اند؛ سفری که بیش از آنکه سفر زیارتی باشد، به سفری تبلیغی برای بسط و گسترش اسلام بدل شد. پیامبر که اعتمادی به مشرکین نداشت، گروهی را مأمور ساخت با سلاح و ادوات جنگی در بیرون حرم مستقر شوند تا در صورت نیاز از وجود آنان استفاده شود.

در این سفر، پیامبر و همراهان، عمره مفرده به جا آوردند و از این جهت است که به عنوان قضای عمره سال گذشته، به «عمره القضا» یاد شده است. این سفر چون نخستین سفر مسلمانان به مکه محسوب می‌شد، و قبل از تشریح فریضه حج انجام می‌گرفت، تقریباً همه مسلمانان حضور داشتند. از این رو فراتر از یک سفر فردی برای انجام عمره بود، در حقیقت کاروانی تبلیغی و معنوی در تاریخ اسلام به شمار رفته است. پیامبر برای نشان دادن قدرت مسلمانان بازوی راست خود را از زیر جامهٔ احرام بیرون آورد و فرمود: «خدا رحمت کند کسی را که امروز نیرومندی خود را به اینان نشان دهد.»

در این کاروان، که پیامبر چون نگینی در جمع مسلمانان بود، عبدالله بن رواحه مهار شتر رسول خدا ﷺ را در دست داشت و با صدای رسای خود این شعار را می‌خواند:

خَلُّوا بَنِي الْكُفَّارِ عَنْ سَبِيلِهِ	خَلُّوا فَكُلَّ الْخَيْرِ فِي رَسُولِهِ
يَا رَبِّ إِنِّي مُؤْمِنٌ بِقِيلِهِ	أَعْرَفُ حَقَّ اللَّهِ فِي قَبُولِهِ
نَحْنُ قَتَلْنَاكُمْ عَلَى تَأْوِيلِهِ	كَمَا قَتَلْنَاكُمْ عَلَى تَنْزِيلِهِ
ضَرْبًا يُزِيلُ الْهَامَّ عَنْ مَقِيلِهِ	و يُذْهِلُ الْخَلِيلَ عَنْ خَلِيلِهِ <sup>۴</sup>

ای فرزندان کفر و شرک، راه را برای پیامبر خدا ﷺ باز کنید، بدانید او سرچشمهٔ خیر و منبع نیکی است.

بار الها! من به گفتار او ایمان دارم و حق خداوند را در قبول سخنان او می‌دانم. ما با شما به علت انکار تأویل او می‌جنگیم، چنانکه به علت انکار تنزیل او پیکار کردیم.

چنان ضربتی به شما خواهیم زد که کاسهٔ سر شما را از جا بکند و دوست را از یاد دوست خود غافل گرداند.



پیامبر به او فرمود: این جملات را با صدای بلند بخوان  
**«لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، وَحْدَهُ وَحْدَهُ، صَدَقَ وَعْدُهُ، وَنَصَرَ عَبْدَهُ، وَأَعَزَّ جُنْدَهُ، وَهَزَمَ  
 الْأَحْزَابَ وَحْدَهُ».**

بدین وسیله ندای توحید و یکتاپرستی در فضای مسجد الحرام و اطراف آن صفا و مروه پیچید؛ فضایی که تاکنون چنین ندایی را با این عظمت به خود ندیده بود. بلال به امر رسول خدا ﷺ بر بام کعبه رفت و ندای اذان سر داد، شهادت به وحدانیت خدا و رسالت پیامبر خدا ﷺ در فضای کعبه طنین انداز شد. کسی که روزی تنها به خاطر ایمان به پیامبر در همین شهر تحت شدیدترین شکنجه‌ها قرار داشت، اینک بر بام خانه خدا ندای توحید سر می‌دهد و هیچیک از مشرکان جرأت تعرض به او را ندارند. کسی که روزی به خاطر ادعای نبوت تحت شدیدترین آزارها و اذیت‌ها قرار گرفت و شبانه مکه را ترک کرد، امروز با صدای بلند رسالتش بر بام کعبه گواهی می‌شود. بدین وسیله عظمت اسلام و مسلمین به نمایش درمی‌آید. این منظره زیبا و باشکوه به قدری برای سران کفر دشوار بود که با عصبانیت می‌گفتند: سپاس خدای را که پدرانمان مردند و صدای این غلام حبشی را نشنیدند و بعضی دیگر که توان مشاهده این صحنه‌ها را نداشتند، به کوه‌ها پناه برده و حتی صورت خود را پوشاندند.

پیامبر در مدت کوتاه اقامت خود در مکه، حداکثر استفاده را در جهت گسترش ندای توحید در سرزمین بت پرستی نمود، حادثه‌ای که سران کفر و شرک تصورش را نمی‌کردند. پیامبر در ضمن ندای توحید، تحقق وعده الهی را در پیروزی بندگان صالحش و عزت و عظمت آنان را به مسلمانان گوشزد کرد تا از سرچشمه عزت و عظمت و پیروزی خود غافل نشوند.<sup>۵</sup> بدین ترتیب وعده خدا به پیامبرش محقق شد:

**«لَقَدْ صَدَقَ اللَّهُ رَسُولَهُ الرُّؤْيَا بِالْحَقِّ لَتَدْخُلَنَّ الْمَسْجِدَ الْحَرَامَ إِنْ شَاءَ اللَّهُ آمِينَ  
 مُحَلِّقِينَ رُءُوسَكُمْ وَمُقَصِّرِينَ لَا تَخَافُونَ فَعَلِمَ مَا لَمْ تَعْلَمُوا فُجِعَلْ مِنْ دُونِ ذَلِكَ  
 فَتْحًا قَرِيبًا».**<sup>۶</sup>

«بدین وسیله خدا صدق و حقیقت خواب رسولش را آشکار ساخت که در عالم رؤیا دید شما مؤمنان به مسجد الحرام با دل ایمن وارد شوید و سرها را بتراشید و اعمال تقصیر احرام، بدون ترس و هراس بجا آورید و خدا آنچه را که شما نمی‌دانستید، می‌دانست و قبل از آن فتح نزدیک را مقرر داشت.»

## در هم شکستن بت ها و حاکمیت اسلام

علی رغم این که مسلمانان و مشرکان در حدیبیه قرار داد بسته بودند که تا ده سال میان آنان صلح برقرار شود که به موجب یکی از مواد آن، تعرض به هر یک از طرفین و قبایل متحد با هر کدام ممنوع است، اما مشرکان مکه با زیر پا نهادن این تعهد، برخی از قبایل متحد با مسلمانان را مورد تعرض قرار دادند و عملاً پیمان شکنی نمودند و همین امر موجب شد که رسول خدا ﷺ با اجتماعی عظیم و با هدف فتح مکه عازم این شهر شد. این سفر مهمترین و تعیین کننده ترین مقطع تاریخ حیات اسلام است. مقطعی که به دنبال آن مردم گروه گروه به اسلام گرویدند و سوره مبارکه نصر به همین مناسبت نازل شد.<sup>۷</sup> این سفر گرچه در موسم حج نبود و برای برگزاری موسم حج انجام نشد، اما چون برپایی فریضه واقعی حج بر فتح مکه و تطهیر آن از لوث بت ها و بت پرستی ها بود، و از این جهت که زمینه برگزاری حج ابراهیمی - محمدی ﷺ را در سال های بعد فراهم کرد، حائز اهمیت بود. آزادی خانه خدا از شرک و بت پرستی و حاکمیت اسلام بر این سرزمین هدف مهمی بود که در این سفر تأمین شد.

با آنکه حجاجی به جا آورده نشد، اما به لحاظ اجتماع عظیم مسلمانان بسان اجتماع بزرگ حج، فرصتی را برای پیامبر فراهم کرد تا از آن بهره برداری کافی به عمل آورد. مهمترین دستاورد این سفر برچیده شدن بساط بت پرستی از پایگاه وحی بود. پیامبر بت پرستی را خرافه و گمراهی می دانست نه عقیده ای که بر پایه تحقیق و آزادگی کسب شده باشد. او همچون ابراهیم بت ها را شکست و خانه کعبه را از لوث بتها پاک کرد. وارد خانه شد و خداوند را برای تحقق وعده هایش، یاری مسلمانان و شکست دشمنانش سپاس گفت.

«الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي صَدَقَ وَعْدُهُ وَ نَصَرَ عَبْدَهُ وَ هَزَمَ الْأَحْزَابَ وَ خَدَهُ».

پیامبر با شکستن بت ها نشان داد که نمی تواند «اسارت عقل و اندیشه» و «وابستگی قلب و روح» انسان به خرافات را تحمل کند و به رسمیت بشناسد. پیامبر به وضوح می دید که زورمداران و فریبکاران با بساط بت پرستی و خرافات به استعمار و استعمار توده های مردم پرداخته، برگرده آنان سوار شده و ریاست می کنند. برای نجات



مستضعفان چاره‌ای جز مبارزه با خرافات و برجیدن بساط بت پرستی و فریبکاری قدرتمندان نبود. پیامبر با شکستن بت‌ها در برابر دیدگان حیرت زده بت پرستان، خفتگان را بیدار کرد و برای اولین بار با خود و یکدیگر گفتند: «بت هبل که نتوانست از خود دفاع کند، چگونه می‌تواند بر سرنوشت ما تأثیر گذار باشد؟!»<sup>۸</sup>

همان طور که ابراهیم خلیل علیه السلام با شکستن بت‌ها و نهادن تبر بر دوش بت بزرگ، شکستن بت‌های دیگر را متوجه بت بزرگ کرد و دل‌های خفته را متوجه این واقعیت نمود که: «بتی که نمی‌تواند تبر به دست بگیرد، چگونه می‌تواند سرنوشت ما را رقم بزند؟!»<sup>۹</sup>

پیامبر عده‌ای را نیز برای تخریب بت خانه‌های مکه و حوالی آن اعزام کرد و بدین وسیله بساط بت پرستی را در سرزمین وحی برچید.

## پیام رحمت و رأفت اسلامی در اوج قدرت

یکی از پیام‌های سفر فتح مکه، که پیامبر با رفتار خود آن را به مسلمانان، بلکه بشریت ابلاغ کرد، پیام رحمت و رأفت اسلامی در اوج قدرت بود. برخلاف پندار قدرتمندانی چون خالد بن ولید که گمان می‌کردند پیامبر با فتح مکه انتقام سال‌ها آزار و اذیت مسلمانان توسط مشرکین مکه را خواهد گرفت، با شعار انتقام وارد مکه شد و مشرکان را وعید انتقام و هتک و حرمت می‌دادند در آن حال پیامبر صلی الله علیه و آله علی بن ابی طالب را فرستاد تا شعار رحمت و رأفت سر دهد. آری، رسول الله صلی الله علیه و آله با ندای «إِذْهَبُوا فَأَنْتُمْ الطُّلُقَاءُ» کرامت و بزرگواری خود را به نمایش گذاشت.

رفتار کریمانه آن حضرت موجب شد که بسیاری از مشرکان در رفتار خود با اسلام و مسلمانان تجدید نظر کنند و به این دین پاک بگروند. در این میان پیامبر ده نفر از کسانی را که وی و آیین اسلام را مورد هتک قرار داده بودند، مهدورالدم خواند تا هر کس به آنها دست یافت به قتل رساند. در عین حال دو تن از آنان به وسیله امّ هانی خواهر علی علیه السلام امان داده شدند، یک تن نیز توسط عثمان امان داده شد و پیامبر آنان را بخشید. صفوان بن امیه نیز با وساطت عمیر بن وهب مورد بخشش قرار گرفت و وقتی اسلام بر او عرضه



شد، دو ماه مهلت خواست و پیامبر چهار ماه به او مهلت داد تا در آیین اسلام تفکر کند و او پس از مدتی اسلام آورد.<sup>۱۰</sup>

## تبيين ارزش‌ها و ضد ارزش‌ها

پیامبر در این سفر با ایراد سخنانی در اجتماع عظیم مردم، به تبیین ارزش‌ها و ضد ارزش‌ها پرداخت که بعضی از موارد مهم آن را می‌آوریم:

### ۱ - مساوات

پیامبر در این سخنرانی از فرصت استفاده کرد و تعصبات جاهلی را که تا عمق جان اعراب نفوذ کرده بود و زدودن آنها نیاز به تمرین و مجاهدت داشت، الگاکرد. هنجارهای واقعی را جایگزین ناهنجاری‌های واقعی که خود را به عنوان ارزش‌های پذیرفته شده به جامعه تحمیل کرده بودند، نمود. به تفاخرها و تعصب‌هایی که جز از جهل و نادانی ناشی نمی‌شد، پایان داد. مناصب دروغین را که وسیله‌ای برای فریب دادن حجاج و کسب درآمد برای عده‌ای شده بود، باطل کرد و تنها بعضی از مناصب مفید، مانند کلیدداری، پرده داری و سقایت زائران را باقی گذاشت.<sup>۱۱</sup>

حضرت در سخنرانی خود فرمود: «ای جماعت قریش خداوند نخوت جاهلیت و فخر فروشی به پدران را از شما گرفت. مردم از آدم و آدم از خاک است.»

سپس این آیه را تلاوت کرد: «يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ».<sup>۱۲</sup>

تقوا و پرهیزکاری و دوری از گناه را جایگزین فخر فروشی‌ها کرد. فخر فروشی به خاطر حسب و نسب را محکوم ساخت. فضیلتی به نام «عروبت» را پنداری بی‌جا شمرد؛ چرا که عربیت، تنها زبانی گویاست که نمی‌تواند جانشین انجام وظیفه آدمی باشد.

پیامبر در این مرحله که مسلمانان طعم شیرین پیروزی را چشیده‌اند و این پیروزی مقدمه‌ای بر پیروزی‌های بعدی بر اقوام و ملت‌های دیگر است، اصل «مساوات» را مطرح نمود تا ارزش‌های دروغین جایگزین ارزش‌های واقعی نشوند. رنگ پوست، زبان و قوم



مِقَات

و قبیله جایگزین تقوا نگردد. روند حوادث پس از وفات رسول خدا ﷺ نشان داد که تأکید بر اصل مساوات از مهمترین نیازهای مسلمانان در این مقطع بود. پیام همیشگی اسلام توسط پیامبر در زمانی به مردم ابلاغ شد که تعصبات نژادی، قومی و قبیله‌ای در عمق جان مردم رسوخ کرده بود. پیامبر نوید مساوات داد و این که ویژگی‌های طبیعی و جغرافیایی، که خارج از اراده و اختیار انسان است، ملاک برتری و امتیاز نیست، بلکه حریت و آزادگی در مبارزه با هواها و هوس‌ها و خویش‌داری در برابر گناه که محصول تلاش و مجاهدت آدمی است، ملاک فضیلت و برتری است. امروز جهان بیش از پیش به این پیام انسانی نیازمند است؛ جهانی که تبعیض‌های نژادی و قومی منشأ ظلم‌ها، جنایت‌ها و بی‌عدالتی‌هاست، جهانی که علی‌رغم تمدن‌بودنش، به فقهرا برگشته و تبعیض‌ها و بی‌عدالتی‌ها به اوج خود رسیده و کنگره حج می‌تواند بهترین فرصت برای نشر و گسترش این پیام انسانی به بشریت باشد.

## ۲- آغاز دوره‌ای جدید

پیامبر از این فرصت استفاده کرد و آغاز فصل نوی را در زندگی مسلمانان به اطلاع رساند. اعراب بر اساس روابط قبیله‌ای زندگی می‌کردند و در میان آنان مقرراتی برخاسته از عصبیت و جاهلیت حکمفرما بود؛ به طوری که برای یک قتل، چه بسا دو قبیله ده‌ها سال با هم دشمنی ورزیده، به جنگ و خونریزی می‌پرداختند. پیامبر برای برچیدن این وضعیت در بخشی از سخنان خود فرمود:

«أَلَا إِنَّ كُلَّ مَالٍ وَ مَأْتَرَةٍ وَ دَمٍ فِي الْجَاهِلِيَّةِ تَحْتَ قَدَمَيْ هَاتَيْنِ».<sup>۱۳</sup>

«هان! هر مال و افتخارات و خونی که در جاهلیت بود، من زیر دو پا نهادم و

باطل ساختم.»

پیامبر بدین وسیله کینه‌های دیرینه را پایان داد و از آنان خواست گذشته‌ها را فراموش کنند و روابط جدیدی بر پایه ایمان و عقیده به توحید و اخوت اسلامی بنا نهند. بسیاری از مسلمانان با پیروی از رسول خدا ﷺ دوران جدیدی را در زندگی اجتماعی خویش آغاز کردند. مکه را حرم امن اعلام کرد تا روز قیامت از حرمت و قداست برخوردار باشد.

### ۳- اخوت اسلامی

پیام دیگر پیامبر در این سخنرانی «اخوت اسلامی» بود. حضرت فرمود:

«الْمُسْلِمُ أَخُو الْمُسْلِمِ وَ الْمُسْلِمُونَ إِخْوَةٌ وَالْمُسْلِمُونَ يَدُ وَاحِدَةٌ عَلَى مَنْ سِوَاهُمْ».<sup>۱۴</sup>

«مسلمان برادر مسلمان است و مسلمانان برادرند و مسلمانان در برابر دیگران  
ید واحدند.»

برادری اسلامی یکی از مهمترین ارکان دعوت پیامبر بود. در دوران غربت و مظلومیت، احساس همدردی و برادری میان یک جمع به سهولت ایجاد می شود. وضعیت خاص این دوره و احساس نیاز به یکدیگر، رهبران را از یادآوری ضرورت پیوند بی نیاز می کند، اما در دوران قدرت و پیروزی، حس استغنا و بی نیازی سراغ انسان می آید. پیامبر در ماجرای فتح مکه که مسلمانان در معرض چنین آفت اخلاقی قرار داشتند، بر ضرورت «اخوت اسلامی» تأکید می ورزد. مبدا در عصر پیروزی صاحب منصبان توده های مردم را، قدرتمندان ضعفا را و ثروتمندان فقیران را فراموش کنند. مسلمانان امت واحدی هستند در برابر دشمنان و بیگانگان. تأکید رسول خدا ﷺ بر برادری اسلامی، هم جامعه را از آفت ها حفظ می کرد و هم مسلمانان را به عنوان یک امت در برابر دشمنان بیمه می کرد.

پیامبر یک بار هم در مدینه میان مهاجر و انصار عقد اخوت برقرار کرد تا هم میان خود احساس همدردی کنند و هم قدری از آلام مهاجران کاسته شود. آن روز تأکید پیامبر بر اخوت اسلامی در وضعیتی متفاوت با وضعیت گذشته انجام می شد و هدفی فراتر از همدردی میان مسلمانان را دنبال می کرد، هم جنبه داخلی داشت و هم جنبه بیرونی و در مواجهه با دشمن.

### ۴- مبارزه با مفاسد اعتقادی و اخلاقی زنان

پیامبر از فرصت اجتماع مسلمانان در مکه استفاده کرد و با توجه به مفاسد اعتقادی اخلاقی که در میان زنان رواج داشت، با آنان بیعت نمود تا دست از مفاسدی که بدان



گرفتار بودند، بشویند. برای خدا شریک قرار ندهند. به شوهران خود خیانت نورزند و اموال آنان را به سرقت نبرند. گرد فساد و فحشا نگردند، فرزندان خود را نکشند، فرزندان‌ی که به دیگران مربوط است، به شوهران خود نسبت ندهند و در کارهای نیک با پیامبر مخالفت نکنند.<sup>۱۵</sup>

این همه، مفاسدی بود که زنان از عصر جاهلیت بدان مبتلا بودند و پیامبر از این فرصت برای مبارزه با آنان بهره برد. قرآن این ماجرا را بازگو می‌کند و خطاب به پیامبر می‌فرماید:

﴿يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ إِذَا جَاءَكَ الْمُؤْمِنَاتُ يُبَايِعْنَكَ عَلَىٰ أَنْ لَا يُشْرِكْنَ بِاللَّهِ شَيْئًا وَلَا يَسْرِقْنَ وَلَا يَزْنِينَ وَلَا يَقْتُلْنَ أَوْلَادَهُنَّ وَلَا يَأْتِينَ بِبُهْتَانٍ يَفْتَرِينَهُ بَيْنَ أَيْدِيهِنَّ وَأَرْجُلِهِنَّ وَلَا يَعْصِينَكَ فِي مَعْرُوفٍ فَبَايِعْنَهُنَّ وَاسْتَغْفِرْ لَهُنَّ اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ﴾.<sup>۱۶</sup>

## برائت از مشرکان

استفاده دیگری که پیامبر خدا ﷺ از اجتماع مردم در موسم حج، در سال نهم هجری نمود، ابلاغ پیامی مهم به مشرکان و نیز تعیین مقرراتی برای زائران بیت‌الله الحرام است.<sup>۱۷</sup> شاید ابلاغ چنین پیامی جز در اجتماع باشکوه مسلمانان در سرزمین مناکه نشانی از مجد و عظمت اسلامی است، امکان‌پذیر نبود. تعیین مهلت برای مشرکانی که با مسلمانان پیمان داشتند و نیز اعلان برائت از مشرکان و اتمام حجت با ایشان از سوی پیامبر در موقعیتی مساعد امکان‌پذیر بود و اجتماع عظیم حج می‌توانست بهترین فرصت برای ابلاغ این پیام باشد. به‌ویژه که پیامبر مأمور شد یا خود این پیام را ابلاغ کند یا فردی منتسب به آن حضرت.

اعلان این پیام به مشرکان در سرزمینی که مردم از شهرها و بلاد مختلف اجتماع کرده‌اند و طبعاً این پیام را به شهر و دیار خود می‌برند، کیان مشرکان را به شدت تهدید می‌کرد. پیامبر برای ابلاغ این پیام چنان‌که مرسوم است، نامه به سران اقوام و قبایل نوشت، بلکه در اجتماع گسترده مردم در سرزمین مناکه ابلاغ کرد تا هم مسلمانان از خط مشی «حکومت اسلامی» در مواجهه با مشرکان آگاه شوند و هم مشرکان را راه

گریزی نباشد؛ چرا که به صورت علنی به اطلاع همه رسیده است. قطعاً اعلان برائت از مشرکان در مراسم حج دارای آثار منحصر به فردی بود؛ چه این که در دوران معاصر آن قدر که استکبار جهانی از اعلان برائت در حجاز و سرزمین وحی واهمه دارد، در سایر کشورها ندارد، چه این که موسم حج محل اجتماع میلیونی مسلمانان از اقصی نقاط جهان است و شکستن ابهت استکبار در اجتماع میلیونی مظلومان و مستضعفانی که قرن‌ها مقهور این ابهت پوشالی بوده‌اند، غیر قابل تحمل است.

امام خمینی رحمته الله علیه در این زمینه می‌فرمود:

«این مسأله باید روشن باشد که آن‌گونه راهپیمایی‌ها (در کشورهای به اصطلاح آزاد غربی) هیچ‌گونه ضرری برای ابرقدرت‌ها و قدرت‌ها ندارد. راهپیمایی مکه و مدینه است که بسته شدن شیرهای نفت عربستان را به دنبال دارد. راهپیمایی‌های برائت در مکه و مدینه است که به نابودی سرسپردگان شوروی و آمریکا ختم می‌شود.»<sup>۱۸</sup>

## حَجَّةُ الْوِدَاعِ وَ تَرْسِيمِ خَطِّ مَشِي حُكُومَتِ اِسْلَامِي

مهم‌ترین پیام حَجَّةُ الْوِدَاعِ حادثه غدیر است. اما پیش از پرداختن به استفاده‌ای که پیامبر از موسم حج برای انجام این مأموریت مهم و خطرناک نمود، به بخش‌هایی از سخنرانی‌های پیامبر در عرفات، مکه و منامی پردازیم:

### ۱ - حرمت جان و مال مسلمانان

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله با اشاره به این که عمر او رو به پایان است، فرمود:

«أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّ دِمَاءَكُمْ وَأَمْوَالَكُمْ عَلَيْكُمْ حَرَامٌ إِلَيَّ أَنْ تُلْفُوا رَبَّكُمْ كَحُرْمَةِ يَوْمِكُمْ هَذَا وَ كَحُرْمَةِ شَهْرِكُمْ هَذَا وَ إِنَّكُمْ سَتَلْفُونَ رَبَّكُمْ فَيَسْأَلُكُمْ عَنْ أَعْمَالِكُمْ.»<sup>۱۹</sup>

«ای مردم! خون و مال شما حرمت دارد تا آن که خدای خود را ملاقات کنید، مانند حرمت امروز و حرمت این ماه، شما به زودی پروردگارتان را ملاقات خواهید کرد و او از شما درباره اعمالتان سؤال خواهد نمود.»



پیامبر

همچنین آنان را از شکستن حرمت محرمات الهی و ربا برحذر داشت و فرمود: شیطان برای همیشه از این که در این سرزمین عبادت شود و بار دیگر آنان را فریب دهد مأیوس شد.

## ۲- دفاع از حقوق زنان

با وضعیت دشواری که زنان قبل از ظهور اسلام و در عهد جاهلیت داشتند، در سنین کودکی زنده به گور می شدند. داشتن دختر عار و ننگ محسوب می شد. زنان بسان کالایی در اختیار مردان بودند. پیامبر از این فرصت استفاده کرد و هویت جدیدی را برای زن تعریف نمود. آنان را مانند مردان دارای حق و شأن و کرامت انسان دانست. و امانت های الهی در دست مردان شمرد و نیکی به آنان را سفارش کرد.<sup>۲۰</sup>

## ۳- خاتمیت دین اسلام

پیامبر ﷺ از این که عده ای ساده لوح فریب بازیگران و حيله گرانی را بخورند که برای رسیدن به قدرت، دعوی نبوت می کنند، با تصریح بر خاتمیت دین اسلام، راه هر گونه سوء استفاده را بست. با این که پیش از آن نیز هم آیات قرآن و هم در سخنانی خاتمیت نبوت خود را به آگاهی مردم رسانده بود، اما اینک که اسلام در اوج قدرت و عظمت قرار گرفته و زمینه ادعاهای کذب دارد و ظهور مدعیانی در همین مقطع، گواه بر این مطلب است، پیامبر در اجتماع عظیم مردم بار دیگر بر پایان دوران نبوت تأکید می ورزد.

«أَلَا قُلَيْبُغُ شَاهِدُكُمْ غَائِبِكُمْ لَا نَبِيَّ بَعْدِي وَلَا أُمَّةَ بَعْدَكُمْ».<sup>۲۱</sup>

«هان! (ای مردم)، هر کس از شما که حاضر و شاهد است به افراد غایب برساند که پیامبری بعد از من و امتی بعد از شما نخواهد بود.»

## ۴- سفارش ثقلین - کتاب و عترت -

در بعضی از کتب تاریخی، بخش دیگری برای سخنرانی پیامبر نقل کرده اند. آن حضرت بعد از بیان هر سخنی، مردم را گواه و شاهد می گرفت، بر این که پیام خود را به مردم ابلاغ کرده است و این امر گذشته از این که در مقام وداع با مردم انجام گرفته خود



حاکمی از اهمیت هر یک از این پیام‌هاست. فرمود: «أَلَا وَ إِنِّي قَدْ تَرَكْتُ فِيكُمْ أَمْرَيْنِ إِنْ أَخَذْتُمْ بِهِمَا لَنْ تَضِلُّوا: كِتَابَ اللَّهِ وَ عِثْرَتِي أَهْلَ بَيْتِي، فَإِنَّهُ قَدْ نَبَّأَنِي اللَّطِيفُ الْخَبِيرُ أَنَّهُمَا لَنْ يَفْتَرِقَا حَتَّى يَرِدَا عَلَيَّ الْحَوْضَ، أَلَا فَمَنْ أَعْتَصَمَ بِهِمَا فَقَدْ نَجَا، وَ مَنْ خَالَفَهُمَا فَقَدْ هَلَكَ.»<sup>۲۲</sup>

در بعضی از مصادر تأکید حضرت بر ثقلین را فقط در خطبه غدیر نقل کرده‌اند، اما در بعضی دیگر علاوه بر آن، در خطبه مسجد خیف، در سایر سخنرانی‌های حضرت در حجة الوداع نیز نقل شده است.<sup>۲۳</sup>

### ۵- نصب علی علیه السلام به ولایت

از مهم‌ترین مسائل حجة الوداع، که در راه بازگشت در غدیر خم انجام گرفت، ایفای آخرین مأموریت الهی؛ یعنی نصب علی بن ابی طالب علیه السلام به سمت ولایت بر امت از سوی پیامبر بود. مأموریتی که با همه رسالت بیست و سه ساله آن حضرت برابری می‌کرد. قرآن عدم ابلاغ آن را به معنای عدم تبلیغ رسالت پیامبر می‌شمارد؛ «يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ»<sup>۲۴</sup>.

چنان‌که ابلاغ این پیام از سوی رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم را «مُكْمَل دِين» و «متمم نعمت الهی» می‌داند؛ «الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتَمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَرَضِيْتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا»<sup>۲۵</sup>. پیامبر در حضور ده‌ها هزار نفر، مأموریتش را انجام داد و از فرصت اجتماع حجاج بیت‌الله الحرام بهترین استفاده را نمود.

اهمیت مأموریت ایجاب می‌کرد که در حضور جمعیتی عظیم ابلاغ گردد تا اتمام حاجتی بر همگان و نیز کسانی باشد که تمام تلاش خود را برای عقیم گذاشتن تحقق مسأله ولایت و جانشینی پیامبر به کار بردند. طرح این مسأله در آن اجتماع عظیم موجب شد که ده‌ها بلکه صدها نفر حدیث غدیر را نقل کنند و علی رغم تلاش فراوان قدرت‌طلبان قریش برای جلوگیری از نشر فضایل اهل بیت پیامبر و به فراموشی سپردن شخصیت والای علی علیه السلام و محو حدیث غدیر که دلیل قاطع ولایت ایشان بر امت اسلامی بود، در تاریخ باقی بماند و به نسل‌های آینده برسد و قدرت‌طلبان نتوانند اصل حدیث را انکار کنند و به ناچار به تحریف معنوی کلام پیامبر متوسل شده و آن را از معنای مورد نظر رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم منصرف سازند و بر «محبت و دوستی» تفسیر کنند.



میثاق

از مهمترین دستاورد ابلاغ این مأموریت در اجتماع عظیم حج نقل متواتر این سند تاریخی است<sup>۲۶</sup>. مأموریتی که پیامبر همواره از ابلاغ آن بیم داشت و بالأخره با اطمینانی که خداوند به رسولش داد، «وَاللّٰهُ يَعْصِمُكَ مِنَ النَّاسِ»<sup>۲۷</sup> به ابلاغ آن مبادرت ورزید. اما زمان و مکانی را برای ابلاغ آن برگزید که بیشترین موفقیت ممکن را به دست آورد. چه بسا اگر موقعیت دیگری برای این منظور انتخاب می‌شد، دشمنان به انکار رسالت آن حضرت نیز اقدام کرده و آن حضرت را به انواع تهمت‌ها متهم می‌ساختند.

اما ابلاغ این پیام در چنین موقعیت حساسی ابتکار عمل را از مخالفان سلب کرد و همگان مجبور به پذیرش سخن رسول خدا ﷺ شدند. هرچند در مراحل بعدی حق مسلم امام علی علیه السلام را غصب کرده و مسیر حکومت اسلامی را منحرف ساختند. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله خود درباره ابلاغ این پیام در این مرحله می‌فرماید:

«جبرئیل در مسجد خیف بر من نازل شد و امر کرد که علی را به ولایت بر مردم برگزینم، خداوند مرا به رسالتی برانگیخت و ترسیدم با ابلاغ این مأموریت مرا تکذیب کنند، چون به عهد جاهلیت نزدیک‌اند، چگونه بر آنان خبر دهم که پسر عمویم ولی شماست تا این که دستور الهی رسید که در این مکان حتماً باید این پیام را ابلاغ کنی و هشدار داد که اگر ابلاغ نکنم مرا مجازات خواهد کرد و از بیم مردم مرا ضمانت کرد. و بر من وحی نمود که «يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ...».

سپس از آنان بر ابلاغ پیام‌های مهم رسالتش؛ توحید و رسالت خویش و نیز بهشت و جهنم و قیامت اقرار گرفت، آنگاه ثقلین را سفارش نمود؛ ثقل اکبر و ثقل اصغر و در مورد یک توضیح داد که ثقل اکبر، قرآن و ثقل اصغر، اهل بیت من است. از آنان درباره ولایت خویش اقرار گرفت، سپس علی بن ابی طالب را به ولایت برگزید و افزود:

«بدانید جماعت مردم، که خداوند او را به ولایت بر شما برگزید و بر مهاجرین و انصار و تابعین و حاضر و غایب و عرب و عجم، آزاد و بنده و صغیر و کبیر پیشوای واجب الإطاعة قرار داد.»

وقتی گروهی از کیفیت ولایت علی علیه السلام پرسیدند، فرمود: «ولایت او مانند ولایت من است، من نسبت به هر کسی که اولویت داشتم، علی هم نسبت به او اولویت دارد.» سپس از مقام و منزلت علی و عترت پاکش و ائمه دوازده‌گانه سخن گفت.



در پایان سخنرانی جبرئیل نازل شد و آیه شریفه «اکمال دین» را آورد. مردم گروه گروه جلو آمده، به آن حضرت تبریک گفتند.<sup>۲۸</sup>

دوراندیشی پیامبر با هدایت الهی و ابلاغ این پیام در چنین جوّ و فضایی تلاش دشمنان را در تکذیب رسول خدا ﷺ و محو نام و یاد او و اهل بیت گرامیش ناکام گذاشت. با آن که توطئه گران قریش در اجتماع مردم حضور داشتند، امانتوانستند کمترین اعتراضی کرده و مانع ابلاغ پیام الهی شوند و این امر از برکات ابلاغ این پیام در اجتماع عظیم حجاج در این سرزمین بود.

آیا با چنین خط مشی روشنی که در زندگی پیامبر خدا ﷺ در ارتباط با مسأله حج وجود دارد و استفاده‌ای که آن حضرت از این فرصت طلایی در راه پیشبرد اهداف متعالی اسلام نمود، جا ندارد که مسلمانان همه ساله هرچه بیشتر از اجتماع عظیم حج در سرزمین وحی استفاده کنند؟ آیا امروز برای درمان دردهای مزمن جهان اسلام همچون:

- تفرقه و جدایی

- مسأله افغانستان

- حاکمیت قدرت طلبان و خود باختگان در کشورهای اسلامی

- وابستگی سیاسی و اقتصادی به بیگانگان

- بی تفاوتی نسبت به خطر صهیونیسم بین المللی

- مظلومیت ملت فلسطین و افغانستان و ده‌ها نمونه از این قبیل، فرصت و موقعیتی

مناسبت‌تر از اجتماع عظیم و میلیونی مسلمانان در حج وجود دارد؟

آیا امروز از تمام ظرفیت حج که پیامبر عظیم‌الشان اسلام با هدایت‌های الهی به

عنوان بهترین فرصت به سهولت در اختیار مسلمانان قرار داد، استفاده کافی می‌شود؟

آیا وقت آن نرسیده است که متفکران مسلمان با بیدار کردن ملت‌ها و در نتیجه وادار

کردن دولت‌های مسلمان زمینه‌های درمان دردهای امت اسلامی را فراهم سازند؟

## پی‌نوشتها:

۱. حج: ۲۷

۲. محمد باقر مجلسی، بحار الأنوار، ج ۲۱، ص ۳۹۷



میقات

۳. همان، صص ۳۹۸ و ۳۹۹
۴. ابن هشام، السیرة النبویه ج ۳، ص ۴۲۵
۵. ر.ک. : السیرة النبویه، ج ۳، صص ۴۲۷ - ۴۲۴؛ بحار الأنوار، ج ۲، ص ۴۶؛ شیخ حسین بن محمد بن الحسین الدیار بکری، تاریخ الخمیس، ج ۲، ص ۶۳
۶. فتح: ۲۷
۷. نک: امین الاسلام طبرسی، مجمع البیان ج ۵، درباره نزول این سوره، دیدگاه دیگری هم وجود دارد نک: علی بن ابراهیم، تفسیر القمی، ج ۲، ص ۴۸۶
۸. تاریخ الخمیس، ج ۲، ص ۸۷ سخن ابوسفیان به زبیر.
۹. انبیاء، ۶۶ - ۵۹
۱۰. السیرة النبویه، ج ۲، ص ۴۱۷
۱۱. بحار الأنوار، ج ۲۱، ص ۱۱۰
۱۲. حجرات: ۱۳
۱۳. السیرة النبویه، ج ۲، ص ۴۱۲؛ کلینی، روضة کافی، ص ۲۴۶
۱۴. السیرة النبویه، ج ۲، ص ۴۱۲؛ بحار الأنوار، ج ۲۱، ص ۱۰۵
۱۵. ماجرای فتح مکه و سخنرانی حضرت را در منابع زیر ملاحظه کنید:  
السیرة النبویه، ج ۴، صص ۶۵ - ۶۳؛ بحار الأنوار، ج ۲۱، صص ۱۳۹ - ۹۱؛ تاریخ الخمیس، ج ۴، صص ۹۰ - ۸۹؛ مجمع البیان، ج ۵، ص ۲۷۶
۱۶. ممتحنه: ۱۲
۱۷. برای آگاهی بیشتر از مفاد و محتوای این پیام نک: «مبانی دینی و سیاسی برائت از مشرکان» از نویسنده که توسط نشر مشعر به چاپ رسیده است.
۱۸. صحیفه نور، ج ۲۰، ص ۲۳۳
۱۹. السیرة النبویه، ج ۴، ص ۲۷۵
۲۰. بحار الأنوار، ج ۲۱، ص ۳۸۱؛ تفسیر القمی، ج ۱، ص ۱۷۱
۲۱. بحار الأنوار، ج ۲۱، ص ۳۸۱
۲۲. تفسیر القمی، ج ۱، ص ۱۷۱
۲۳. نک: مرکز المصطفی للدراسات الاسلامیه، آیات الغدیر، صص ۱۰۹ - ۸۵
۲۴. مائده: ۶۶
۲۵. مائده: ۳
۲۶. نک: عبدالحسین امینی، الغدیر.
۲۷. مائده: ۶۶
۲۸. بحار الانوار، ج ۲۱، ص ۴۰۵؛ آیات الغدیر، صص ۲۰۶ - ۱۶۹